

## تحریم‌های نظامی ج.ا.ایران در قطعنامه‌های شورای امنیت: مبناشناسی و کالبدشکافی در رهیافت انتقادی

دکتر نادر ساعد<sup>۱</sup>

تاریخ ارائه: ۱۹/۶/۱۰

تاریخ تصویب: ۱۹/۶/۲۸

### چکیده

شورای امنیت سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۶ و به موجب قطعنامه ۱۷۳۷، به بهانه قصور در اعلام برخی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان و نگرانی شورای حکام از این بابت، ماده ۴۱ منشور ملل متحد دایر بر تحریم‌های اقتصادی را علیه کشورمان وضع نمود و به خواسته‌های غرب در این خصوص تن داد. شورا در این قطعنامه و قطعنامه‌های بعدی حتی تحریم‌ها را به حوزه نظامی و دفاعی یعنی قابلیت‌های بازدارنده کشور نیز گستراند. هدف این قطعنامه‌های سیاسی، تضعیف قدرت نفوذ ایران در منطقه و جهان و همچنین تضعیف توانمندی‌های بازدارنده دفاعی است. این نوشتار، به بررسی این تحریم‌ها که مبتنی بر تصمیم‌ها و تشخیص‌های نادرست و نامشروع برخی دولت‌های غربی (اما به‌نام و از مجرای رکن اجرایی سازمانی بین‌المللی یعنی شورای امنیت) بوده، خواهد پرداخت و انگیزه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر در تحریم تسلیحاتی کشورمان را در پرتو قطعنامه‌های پنجگانه تحریم (۲۰۱۰-۲۰۰۶) مورد تحلیل قرار خواهد داد.

**واژگان کلیدی:** تحریم، شورای امنیت، پرونده هسته‌ای، دفاع، بازدارندگی.

۱. مدیر گروه صلح مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی.

## مقدمه

اگر آزادی را بدون مبارزه جدی به دست می‌آوریم، امروز ملتی ضعیف می‌بودیم، در حالی که از نظر سیاسی، به هیچ وجه خود را ضعیف نمی‌دانیم؛ زیرا کار مهمی را با تلاش و نیروی خودمان انجام داده‌ایم (نهرودر: تفضلی، ۱۳۵۸: ۱۱۷).

جمهوری اسلامی ایران به تدریج منزلتی وزین و اثرگذار در سطح منطقه یافته و توانمندی‌های دفاعی آن، از جمله عناصر قدرت منطقه‌ای و کمک به ایجاد جذابیت، اقناع و تمکین در برابر مطالبات و مواضع راهبردی کشور در سطوح مختلف دیپلماسی رسمی و عمومی بوده و هست. در شرایط حاضر، دستیابی به دانش بومی گسترده دفاعی و گسترش سطح تولیدات بومی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیروهای مسلح، بازدارندگی را به منابع و بسترهای عینی و اطمینان‌بخش ارتقا بخشیده است و این روند به شکل صعودی و به همت برنامه‌ریزی‌های راهبردی دفاعی ادامه دارد. البته غرب نیز در مانع‌تراشی فراروی این پیشرفت‌ها و تضعیف شرایط محیطی منطقه‌ای و جهانی علیه آنها، از همه ظرفیت‌های خود بهره گرفته و افزون بر اقدامات ملی کنترل صادراتی و همچنین تهدید و افزایش حضور نظامی در محیط پیرامونی کشورمان، قابلیت‌های سازمان‌های بین‌المللی را نیز به کمک گرفته است. جهت‌گیری قطعنامه‌های هسته‌ای شورای امنیت به‌مثابه مجرای برای اعمال فشار بر بخش دفاعی و به چالش کشیدن چشم‌انداز توانمندی‌های نظامی کشورمان، یکی از رهیافت‌های تحلیلی در شناخت غیرفنی بودن این قطعنامه‌ها و تلاش‌های غرب علیه اقتدار دفاعی ایران است.

قطعنامه ۱۹۲۹ مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰، هشتمین سند شورای امنیت، ششمین قطعنامه خاص شورا در مورد فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشور و پنجمین قطعنامه تحریم است که بر مبنای فصل هفتم منشور با محتوایی دال بر ادامه و تشدید تحریم‌ها و اصرار بر همه قطعنامه‌های گذشته و الزامات قطعنامه فوریه ۲۰۰۶ و قطعنامه جدید

۲۰۰۹ شورای حکام<sup>۱</sup> به تصویب رسیده است. شورای امنیت در قطعنامه‌های هسته‌ای تنها به گزارش فوریه ۲۰۰۶ مدیرکل آژانس که پرونده را با بی‌توجهی به سوابق همکاری‌ها و مذاکرات ایران با دولت‌های اروپایی، به این شورا اطلاع داد (علی‌آبادی، ۱۳۸۶: ۳۹۰-۳۸۱ و ساعد، اسفند ۱۳۸۴: ۱۵-۵) و گزارش‌های پس از آن (که اغلب متأثر از مواضع غرب بوده است)<sup>۲</sup> اشاره نموده است. مجموع این گزارش‌ها، ۱۹ مورد می‌باشد که با در نظر گرفتن ۹ گزارشی که مدیرکل پس از سال ۲۰۰۳ به شورای حکام تقدیم نموده است، ۲۸ گزارش در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تاکنون در مورد فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان تدوین و منتشر گردیده است.

سال ۲۰۰۶: بیانیه شماره ۱۵ رئیس شورای امنیت و دو قطعنامه (۱۶۹۶) و (۱۷۳۷)؛

سال ۲۰۰۷: یک قطعنامه (۱۷۴۷)؛

سال ۲۰۰۸: دو قطعنامه (۱۸۰۳) و (۱۸۳۵)؛

سال ۲۰۰۹: قطعنامه (۱۸۸۷)\*

سال ۲۰۱۰: یک قطعنامه (۱۹۲۹).

\* قطعنامه ۱۸۸۷، قطعنامه‌ای کلی است اما در آن به ایران و کره شمالی آشکارا اشاره شده است.

نشانگر ۱. اسناد هشت‌گانه شورای امنیت در مورد پرونده هسته‌ای کشورمان بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۶

۱. قطعنامه ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ شورای حکام (Gov/2009/83)

۲. براساس بند الف ماده ۸ آئین‌نامه داخلی شورای حکام، مدیرکل آژانس، تحت کنترل این شورا بوده و نظر به اینکه توسط همین شورا انتخاب می‌شود (بند ب ماده ۳۶ و ماده ۴۸ آئین‌نامه داخلی)، در برابر آن پاسخگو است. برخی عقیده دارند که افزون بر ملاحظات عملی، همین رابطه رسمی نیز به معنای اثبات پیروی مدیرکل از مواضع قدرت‌های عضو شورای حکام است.

در این نوشتار، به تحلیل قطعنامه‌های تحریم و نحوه پرداختن آنها به بخش دفاعی کشورمان در ابعاد اقلام دفاعی بازدارنده، رهنامه دفاعی و همچنین ساختار و سازماندهی، پرداخته خواهد شد. در واقع غرب در تلاش است از این مجرا ضمن تضعیف اقتدار دفاعی بازدارنده کشور، قدرت دفاعی منطقه‌ای کشورمان را مورد چالش قرار دهد. برای تبیین چارچوب نظری این موضوع، از رهیافت حقوقی در تحلیل قطعنامه‌ها و همچنین فاصله گرفتن محتوای آنها از موازین عمومی ملل متحد به منظور تحقق هدف‌های غرب و نظام سلطه استفاده خواهد شد.

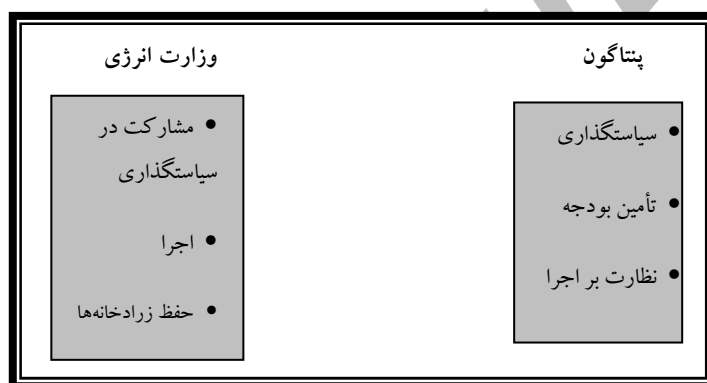
### ۱. سازماندهی و مدیریت انرژی هسته‌ای در ایران و مبانی تحریم‌ها

در ایالات متحده آمریکا، فعالیت‌های هسته‌ای دارای دو بُعد نظامی (تسلیماتی) و غیرنظامی است. با توجه به اهمیت و اولویت کاربردهای تسلیحاتی انرژی هسته‌ای، مدیریت این انرژی در وزارت دفاع متمرکز شده و سیاست‌های ناظر بر آن را وزارت دفاع تدوین و به وزارت انرژی ابلاغ می‌نماید و نقش وزارت اخیر تنها مشارکت در تدوین راهبردهای هسته‌ای غیرنظامی و اجرای تدابیری است که پنتاگون با همکاری سازمان‌های اطلاعاتی و وزارت امور خارجه تنظیم می‌نماید (NPR, April 2010: 37-44).

با این حال، انرژی هسته‌ای در ایران از آغاز تاکنون تنها یک بُعد، آن هم در امور «غیرنظامی» و به تعبیر بهتر «صلح‌آمیز»<sup>۱</sup> داشته و همه سیاست‌های ناظر بر نیازسنجی، طراحی و برنامه‌ریزی و همچنین عملیاتی نمودن برنامه‌های ناظر بر انرژی هسته‌ای تنها

۱. مفهوم استفاده «صلح‌آمیز» از انرژی هسته‌ای، مانع از کاربردهای نظامی غیرتسلیماتی به ویژه اقدام بخش دفاعی در تحقیق و توسعه دفاع در برابر حمله‌های هسته‌ای (برنامه‌های پدافندی) نمی‌شود. بر این اساس، دریابان شمخانی، وزیر دفاع وقت جمهوری اسلامی ایران، در بیانیه‌ای مطبوعاتی در سال ۱۳۸۴، سابقه فعالیت‌های این وزارتخانه در زمینه پدافند هسته‌ای را نشانی از آمادگی و به‌روز بودن فعالیت‌های دفاعی و اقتدار بازدارنده ایران دانست.

در سازمان انرژی اتمی<sup>۱</sup>، اتخاذ و با همکاری وزارت نیرو اجرایی می‌گردد. غرب با فرافکنی سیاست‌های خود، سیاست انرژی هسته‌ای ایران را مانند آنچه خود برای تولید و توسعه سلاح‌های هسته‌ای و همچنین نگهداری و پایدارسازی زرادخانه‌های خود داشته‌اند، تعبیر نموده و شورای حکام آژانس و شورای امنیت را به چنین تصویری جعلی و اتخاذ واکنش‌های شدید اقتصادی-سیاسی در برابر وضعیت مبتنی بر این تصویر، قانع کرده‌اند.



نشانگر ۲. نمودار مدیریت انرژی هسته‌ای در آمریکا

همان گونه که در نشانگر زیر آمده است، مراحل و درجات سیاستگذاری و مدیریت راهبردی انرژی هسته‌ای در ایران، غیرنظامی بوده و شیوه مدیریت راهبردی نیز تأثیرپذیر از تفکرات نظامی نمی‌باشد، بلکه سازمان انرژی اتمی به عنوان مسئول مستقیم اتخاذ اقدامات عملیاتی مربوط به آن، هدف‌های غیرنظامی را دنبال می‌کند.<sup>۲</sup>

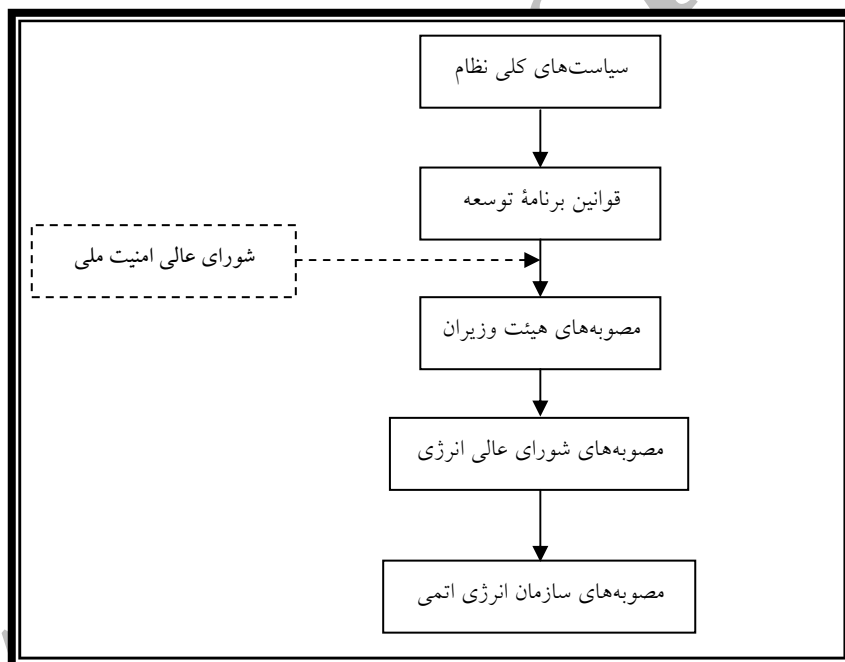
۱. مجموعه‌ای سازمانی در ساختار نهاد ریاست جمهوری و بخش غیرنظامی ایران که وفق قوانین مصوب مجلس و تدابیر عام و آشکار فعالیت نموده و مسئولیت‌های تدوین طرح‌های انرژی هسته‌ای برای استفاده در مصارف تولید برق و همچنین سایر کاربردهای صلح‌آمیز را بر عهده دارد.

۲. بر اساس قانون سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶، «سازمان انرژی اتمی ایران برای استفاده از اشعه و انرژی اتمی در صنایع و کشاورزی و خدمات و ایجاد نیروگاه‌های اتمی و کارخانه‌های شیرین

مبنای این نظام، نبود ارتباط میان انرژی هسته‌ای با بخش نظامی بوده و تنها در مواردی که تهدیدهای جدی علیه امنیت ملی مطرح باشد، ظرفیت‌های داخلی و خارجی توسط شورای عالی امنیت ملی در مقابله با این تهدیدها بسیج و به‌کارگیری خواهد شد. در این موارد که چارچوبی عام داشته و به تهدیدها بستگی خواهد داشت، ممکن است مسئله مقابله با تهدیدهای امنیت ملی ناشی از سیاست هسته‌ای نیز در این شورا جمع‌بندی و طراحی گردد. از سال ۲۰۰۳ تاکنون، به دلیل غیرعادی شدن روند رسیدگی به فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان در آژانس و شورای امنیت و

کردن آب شور و تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع اتمی و ایجاد زیربنای علمی و فنی لازم برای اجرای طرح‌های مزبور و همچنین برقراری هماهنگی و نظارت بر همه امور مربوط به انرژی اتمی در کشور تأسیس می‌گردد و وظایف آن به قرار زیر است: الف. توسعه و گسترش علوم و فنون اتمی در کشور و ایجاد زیربنای علمی و فنی لازم برای استفاده از علوم و فنون اتمی در برنامه‌های توسعه و تحول کشور؛ ب. انجام مطالعات و تحقیقات لازم در زمینه‌های مربوط به علوم و فنون اتمی؛ ج. اهتمام در کاربرد علوم و فنون اتمی در صنایع و کشاورزی و خدمات؛ د. ایجاد خدمات فنی مورد نیاز کشور در زمینه علوم و فنون اتمی؛ ه. انجام بررسی‌ها و عملیات اکتشافی برای تعیین منابع مواد اولیه صنایع اتمی از قبیل سوخت اتمی و مواد رادیواکتیو و بهره‌برداری از این منابع از طریق استخراج و تخلیص و استفاده از مواد مزبور در صنایع و نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها و تأسیسات مختلف اتمی کشور. سازمان موظف است اهتمام خود را برای تأمین سوخت اتمی و سایر مواد اصلی مورد نیاز صنایع اتمی کشور با توجه به نیازهای آینده به کار ببرد؛ و. ایجاد نیروگاه‌های اتمی و بهره‌برداری از آنها برای کمک به تأمین نیروی برق مورد نیاز کشور؛ ز. ایجاد تأسیسات شیرین کردن آب شور و بهره‌برداری از آنها برای کمک به تأمین آب مورد نیاز کشور؛ ح. تولید و توزیع رادیو ایزوتوپ‌ها و سایر مواد و تجهیزات مورد نیاز برای کاربرد علوم و فنون اتمی در کشور؛ ط. ایجاد هماهنگی و نظارت بر امور مربوط به علوم و فنون اتمی در کشور که به وسیله سایر مؤسسات اعم از دولتی و یا وابسته به دولت و یا غیردولتی انجام می‌شود و تنظیم مقررات و ضوابط و آئین‌نامه‌های مربوط و پیشنهاد آن به مراجع ذیصلاح قانونی برای تصویب؛ ی. ایجاد ارتباط با مراجع بین‌المللی و یا کشورهای خارج در زمینه علوم و فنون و صنایع اتمی به نام دولت ایران. نمایندگی دولت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عهده سازمان خواهد بود؛ ک. انجام تحقیقات مربوط به استفاده از منابع انرژی موجود در طبیعت که مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند و اهتمام در استفاده از تجربیات سایر کشورها در این زمینه از طریق ایجاد ارتباط لازم».

تهدیدهایی که از این بابت علیه امنیت ملی جلوه‌گر شده است، ظرفیت‌های شورای عالی امنیت ملی در هماهنگی ساختن ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی مقابله با این تهدیدها، به فعلیت درآمده است. حضور مقام‌های نظامی در این شورا، که موضوعی معمولی و تداول بوده و حتی پیش از طرح موضوع انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیز سابقه داشته است، نه به اقتضای انرژی هسته‌ای بلکه به دلیل ماهیت و سطح تهدیدهای فراروی امنیت ملی است.



نشانگر ۳. مدیریت راهبردی انرژی هسته‌ای در ایران

شورای امنیت سازمان ملل بنا به پیشنهادها و رویکردهای غرب، تصویری از مدیریت و برنامه‌ریزی هسته‌ای ایران ارائه کرده است که بر اساس آن، نیروهای مسلح

نقش کلیدی دارند و امور حساس مربوط به برنامه هسته‌ای را مدیریت می‌نمایند.<sup>۱</sup> این تصویر نادرست، از جمله مبانی اصلی طراحی دیپلماسی عمومی این کشورها به شمار می‌رود. تحریم‌ها، از جمله فنون کاربست اجبار اقتصادی در روابط بین‌المللی هستند (هالستی، ۱۳۸۰: ۳۸۰) که با سازمان دادن به نظارت و کنترل بین‌المللی فناوری‌های دفاعی، به‌عنوان یکی از موانع فراروی سیاست‌های تأمین تسلیحات جهان سوم عمل می‌نمایند (حسینی، پائیز و زمستان ۱۳۸۶: ۱۱۷).

منظور از «تحریم‌های بین‌المللی» در این نوشتار، تحریم‌ها وضع شده به موجب قطعنامه‌های شورای امنیت با ترکیبی از تحریم تجاری، ممنوعیت معامله، تنظیم لیست سیاه، کنترل صادراتی، انسداد دارائی، منع اعطای کمک فنی و مالی، مصادره و سلب مالکیت هستند؛<sup>۲</sup> هرچند این تحریم‌ها اساس و مبنای درستی ندارند و تنها با انگیزه سیاسی و به منظور اعمال فشار بر ایران وضع شده‌اند. در واقع، این تحریم‌ها با ظاهری مطابق با موازین بین‌المللی وضع شده‌اند، اما این تحریم‌ها نه در مواردی که منشور به این منظور وضع شده، بلکه علیه کشوری به‌کار گرفته شده‌اند که هیچ‌گونه تخلفی از منشور ملل متحد انجام نداده و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد نکرده است. به واقع، از نظر حقوقی، ایران تنها در راستای حمایت از حقوق مسلم و ذاتی خود اقدام نموده و به همین دلیل، قطعنامه‌ها هم (به‌جز قطعنامه اخیر ۱۹۲۹) هیچ‌گاه وضعیت کشورمان را «تخلف» از حقوق هسته‌ای نشمرده‌اند. در نهایت این اصطلاح، تنها به معنای

۱. در قطعنامه‌های شورای امنیت، منظور از «تجهیزات و فناوری‌های حساس هسته‌ای» روشن نیست. آژانس این اصطلاح را در مورد فناوری‌های مرتبط با چرخه سوخت (غنی‌سازی اورانیم و جداسازی پلوتونیم) به‌کار برده است (Heinonen, 2006: 1).

۲. در تحریم به مفهوم سنتی آن در ادبیات روابط بین‌المللی، از آن به‌عنوان مفهومی متضمن تحریم‌های تجاری یاد می‌شد (نک به: هالستی، ۱۳۸۰: ۳۸۳-۳۸۰) اما در عمل، فشارهای اقتصادی پس از دوران جنگ سرد، اغلب با ترکیبی از تحریم تجاری و دیگر قالب‌های اجبار اقتصادی همراه بوده‌اند. قطعنامه‌های هسته‌ای ایران این ترکیب را به شکل برجسته‌ای نشان داده‌اند.



تبيين محدوده و گستره فشارهايی است که به شکل ناعادلانه و ظالمانه عليه ايران وضع شده‌اند و به معنای مشروعیت اقدامات یادشده نمی‌باشد.

تحریم‌های شورای امنیت، فارغ از اینکه دولت مورد تحریم چه موضعی اتخاذ نماید، دارای اصول و آثاری هستند که توجه به آنها لازمه شناخت مبانی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تدابیر و فشارهایی است که غرب علیه اقتدار دفاعی ایران و به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای برقرار نموده است. به دلیل رابطه قدرت و ارتباطاتی که قدرت‌های مؤسس و پشتیبان این قطعنامه‌ها با اعضای جامعه بین‌المللی دارند، گزینه‌های همکاری این دولت‌ها با کشورمان اغلب محدود شده و آزادی عملشان در این خصوص محدود شده است. البته دولت‌هایی هم هستند که حاضر به همکاری با غرب نشده و سیاست‌های خود را به‌طور مستقل پیگیری می‌نمایند.

تحریم‌ها، بخشی از تدابیر تنبیهی هستند که شورای امنیت به عنوان واکنش علیه دولت‌های متخلف از حقوق بین‌الملل یعنی دولت‌های تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ می‌نماید. شورا تاکنون قادر نبوده کشورمان را تهدیدی علیه صلح تلقی نماید اما با اعمال فصل هفتم منشور، این تشخیص را به شکل تلویحی به عمل آورده است. در هر حال، این تحریم‌ها به منزله هنجارهای واکنشی و موردی هستند که به محض تصمیم شورا ایجاد می‌شوند و تاهنگامی که شورا خاتمه آنها را احراز نکرده و در مورد آنها تصمیم نگرفته، به قوت خود باقی خواهند ماند. به تعبیر دیگر، تحریم‌ها تابعی از ماندگاری و استمرار در اجرا هستند که توقف آنها منوط به صدور قطعنامه‌ای از شورا در همین خصوص خواهد بود. در مقدمه قطعنامه ۱۷۴۷ آمده است:

«تا زمانی که شورا اعلام کند، هدف‌های این قطعنامه‌ها برآورده شده است، باید مانع از توسعه فناوری حساس ایران در زمینه برنامه‌های اتمی و موشکی خود شد.»

نمونه این ماندگاری را در عمل و رویه بین‌المللی باید در خصوص عراق مورد توجه قرار داد. با وجود گذشت چندین سال از سقوط حکومت صدام، هنوز

قطعنامه‌های صادره در زمان حکومت بعث که ناظر بر تحریم‌ها و تدابیر انضباطی و مجازات‌کننده این کشور بوده است، به قوت خود باقی مانده و شورای امنیت تغییری در اجرای آنها ایجاد نکرده است؛ به گونه‌ای که هنوز هم عراق قادر به تقویت بخش دفاعی خود و ارتقای قابلیت‌های تسلیحاتی نیست.

البته تحریم گسترده (شامل ترکیب تحریم تجاری و دیگر شکل‌های اجبار و فشار اقتصادی) دارای آثار و پیامدهایی چندبعدی و پیچیده بوده و درک آن به منظور اتخاذ تدابیر کنشی و واکنشی نیازمند بررسی همه‌جانبه است. اما در این نوشتار به طور ویژه به جنبه‌های دفاعی این پدیده پرداخته می‌شود.

## ۲. رهیافت‌های تحلیلی به رویکردشناسی غرب در برابر پرونده هسته‌ای

شناخت رویکرد غرب در تصویب قطعنامه‌های تحریم، مستلزم ورود به اندیشه‌ها و انگیزه‌های آنهاست که مطابق با ادبیات راهبردی‌شان تولید و طراحی شده‌اند. از این رو، در این بخش، قرائت غرب از برنامه هسته‌ای را که موجب کشانده شدن تحریم‌ها به بخش نظامی اعم از نیروی انسانی، ساختارها، رهنامه و همچنین صنایع دفاعی شده‌اند، بیان خواهد شد و سپس قرائت یادشده مورد نقد و ارزیابی تحلیلی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱. مفهوم «ابعاد نظامی احتمالی»

شورای حکام، در تقسیم‌بندی پرونده هسته‌ای کشورمان به ابعاد غیرنظامی و «ابعاد احتمالی نظامی»، بنایی نامبارک را استوار ساخت. منظور شورا از ابعاد احتمالی نظامی، وارد شدن به سلسله اقداماتی است که در صورت اثبات می‌تواند به منزله مقدمات انحراف از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و نقض معاهده عدم گسترش تلقی شود هرچند این اقدامات هیچ گونه ارتباطی با پادمان هسته‌ای ایران و آژانس (سند ۲۱۴) ندارند. نکته اینجاست که در همکاری‌های ایران و آژانس وفق طرح کاری ۲۰۰۷ (موسوم به

مُدالیته ایران و آژانس)<sup>۱</sup> شش بُعد مهم از مسائل باقیمانده هسته‌ای بر اساس زمان‌بندی معین در فرایند حل و فصل قرار گرفتند و در سال ۲۰۰۹ نیز طبق همان برنامه از پیش تعیین‌شده، نهایی و برطرف شدند. افزون بر این ابعاد که ممکن بود دارای ماهیت غیرصلح‌آمیز عنوان شود، ابعاد نظامی احتمالی فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان نیز در بخش سوم مُدالیته و در چارچوب «مطالعات ادعایی»<sup>۲</sup> پیش‌بینی گردید، ولی هیچ‌گونه برنامه‌ای زمانی برای حل و فصل آنها تنظیم نشد. تصور ایران این بود این مسئله که سه محور معین (نمک سبز، چاشنی انفجار و کلاهک) داشت، نیازمند مذاکره از نوعی نبود که برای محورهای ششگانه مقرر در بخش‌های یک و دو آن سند مقرر شده بود، و چون هیچ‌گونه اساسی ندارد، تنها با «بررسی ایران و ارسال جوابیه‌ای برای آژانس ناظر بر ملاحظات کشورمان در این رابطه» مختومه خواهد شد. از این‌رو، با خاتمه مسائل ششگانه، آژانس و دولت‌های اروپایی مکلف خواهند شد وفق بند آخر این سند، عادی شدن پرونده هسته‌ای و بازگشت آن از شورای امنیت را خواستار شوند.

اما برداشت آژانس و غرب به گونه‌ای دیگر بود. آنها اصرار داشتند که در این قبیل مسائل که دارای اهمیت حیاتی از نظر حصول هدف‌های معاهده عدم گسترش است،

۱. این توافقنامه به عنوان سند ۷۱۴ در آژانس به ثبت رسیده و در قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت اعتبار آن تنفیذ شده است.

۲. همان‌گونه که از نام آن پیداست، مسائلی که زیر این عنوان مطرح شده‌اند، تنها مطالعاتی هستند که ادعا می‌شود توسط کشورمان به انجام رسیده‌اند. مطالعات یادشده، تنها نظری بوده و فاقد جنبه‌های عملیاتی می‌باشد. ضمن اینکه تنها اتهام هستند و هیچ سند یا دلیلی دایر بر صحت آنها و ارتباطشان با کشورمان وجود ندارد. برای نمونه، نامه‌ای که با سربرگ وزارت دفاع در این خصوص توسط آمریکا ارائه شده است، نامه‌ای دو صفحه‌ای است که تنها صفحه دوم آن دارای شماره ثبت این وزارت بوده و صفحه اول دارای قلم متفاوت از صفحه امضا شده است که به روشنی نشان می‌دهد این سند، ساختگی و جعلی می‌باشد. مایه تعجب اینکه شورای امنیت، این اسناد بی‌اساس و ساختگی را که حتی نام اتهام صرف به خود گرفته است، ملاک تشدید تحریم‌ها قرار داده است. چنین رویه‌ای نوعی بدعت در سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد محسوب می‌شود.

صرف اظهارنظر دولت تحت پادمان کافی نبوده و آژانس و دولت‌های طرف مذاکره هسته‌ای حق دارند آن را بررسی نموده و ملاحظات متقابل خود را ابراز نمایند و آژانس، محل نهایی کردن این ملاحظات و حل نگرانی‌های راجع به آن خواهد بود. دفتر حقوقی آژانس نیز با تفسیر مدالیتیه بر اساس اصول تفسیر معاهدات بین‌المللی به حقوقی کردن این رویکرد کمک نمود؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن عنوان سند و قرار گرفتن بخش سوم آن (مطالبات ادعایی)<sup>۱</sup> در سندی که راجع به حل همه مسائل باقیمانده هسته‌ای ایران است و با در نظر گرفتن اینکه عادی شدن پرونده هسته‌ای به انجام همه محورهای این سند از جمله بخش سوم آن بستگی دارد.

سرانجام اینکه نظر اخیر با استفاده از ظرفیت‌های آژانس و شورای حکام، مورد تأیید قرار گرفت و مطابق آن، قطعنامه ناظر بر گزارش‌دهی پرونده هسته‌ای به شورای امنیت به تصویب رسید. شورای امنیت نیز که رکنی سیاسی و فارغ از توجه به مدلول قواعد حقوقی و عدالت است، همین رویه را در پیش گرفت و ابعاد نظامی «احتمالی» فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان را در کنار ابعاد دیگر، در قطعنامه‌های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ مورد توجه قرار داد و بر همین اساس تحریم‌ها را در این روند وارد نمود. اما در قطعنامه‌های بعدی با وجود اینکه مدالیتیه ایران و آژانس به حل قطعی ابعاد غیرنظامی مقرر در قطعنامه ۲۰۰۶ شورای حکام (قطعنامه موسوم به ارجاع) انجامیده بود، جهت‌گیری اساسی اقدامات خود را همین ابعاد نظامی احتمالی قرار داد و بیش از پیش، اعمال فشار بر صنایع نظامی و غیرنظامی را برقرار نمود.

در وضعیت کنونی، تنها بخش باقیمانده پرونده هسته‌ای، همین فعالیت‌های نظامی است که تنها «احتمال» آن مورد تأکید شورای حکام و شورای امنیت قرار گرفته و هیچ‌گونه سند و حتی قرینه‌ای دال بر درستی این ابعاد، وجود ندارد. به واقع، این اقدامات تنها «مطالعاتی» اتهامی هستند که آمریکا مدعی آنها بوده و آژانس نیز تنها پیگیر این ادعاها

شده بدون اینکه از صحت ادعاهای یادشده اطمینان حاصل نموده باشد. جالب این است که آمریکا از ارائه اسنادی که مدعی درستی اتهامات یادشده باشد، خودداری نموده و مانع از پاسخگویی کشورمان به این اتهامات شده است. این کشور علت خودداری از ارائه این اسناد را اهمیت حیاتی محتوای آن از نظر تبیین چگونگی انجام آزمایش هسته‌ای و تولید سلاح برشمرده که ممکن است موجبات دسترسی به طرح تولید این سلاح‌ها را فراهم نماید و موجب گسترش سلاح‌های هسته‌ای شود. به عبارتی این دولت از یک سو، کشورمان را متهم نموده که چنین سندی را بخش دفاعی کشور تنظیم کرده است؛ و از سوی دیگر، نگران است که ارائه این سند به ایران، ممکن است منجر شود ایرانی‌ها به طرح تولید سلاح هسته‌ای دسترسی یابند! در هر حال، این اتهام بی‌اساس و عاجز بودن آژانس از ملزم کردن آمریکا به ارائه اطلاعات کامل ناظر بر این اتهام، روندی را که فراروی حل و فصل قطعی این موضوع ایجاد نموده و غرب بیشترین استفاده را از این ابهام برده است.

## ۲-۲. پردازش بخش دفاعی در تحریم‌ها

شورای امنیت بخش نظامی پرونده هسته‌ای را با وارد کردن نام برخی شرکت‌های وابسته به نیروهای مسلح در فهرست مراکز مورد بازرسی آغاز کرد و با نمونه‌برداری از برخی آنها، پرونده هسته‌ای را به اوج رساند. قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۳ اوج این اقدامات را نشان می‌دهد. در ادامه این تدابیر، برخی از مقامات نظامی نیز به این فهرست‌ها اضافه شدند.

شورای امنیت در قطعنامه‌های تحریم، بخش نظامی کشورمان را به دو زیربخش تقسیم نموده است: بخش تسلیحات نامتعارف یعنی تولید و توسعه فناوری موشکی بالستیک، که غرب آن را به عنوان وسیله پرتاب سلاح هسته‌ای تعبیر نموده است؛ و همچنین تسلیحات متعارف یا بخش دفاعی غیرمرتبط با سلاح‌های هسته‌ای که تنها به

عنوان اعمال فشار بر تصمیم‌گیری ملی ایران، مشمول تحریم قرار گرفته است. ضمن اینکه افزون بر صنایع نظامی، ساختار نیروهای مسلح و رهنامه آن به ویژه در بُعد اقدام ناهمگون نیز مسئله‌ای مهم و مورد توجه در این قطعنامه‌ها و تأثیرگذار بر جهت‌گیری تحریم‌ها در ابعاد دفاعی بوده است.

#### ۱-۲-۲. بخش تسلیحاتی مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای

قطعنامه‌های شورای امنیت، قابلیت‌های موشکی را به عنوان ابزار و وسیله «پرتاب» سلاح‌های هسته‌ای نمایانده و بدون اینکه هیچ‌گونه قابلیت تسلیحاتی هسته‌ای در کشورمان را احراز کند، وسایل پرتاب سلاح‌های یادشده را هدف قرار داده است. یکی از بدعت‌های قطعنامه اخیر (۱۹۲۹) این است که «ایران نباید هیچ‌گونه اقدامی در مورد موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای انجام دهد و همه دولت‌ها باید کلیه اقدامات مقتضی را برای جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک فنی به ایران در این رابطه به عمل آورند». بند ۹ قطعنامه متضمن محرومیت یادشده، نخستین منبع حقوقی برای منع اقدام ایران در تولید و توسعه موشک و فناوری موشکی است. تاکنون شورا، چنین محدودیتی را بر کشورمان تحمیل نکرده بود. مخاطب مستقیم این تعهد، ایران بوده و نه تنها منع خرید و توسعه فناوری‌های موشکی بلکه منع واردات و صادرات آن را نیز در بردارد. به نظر می‌رسد که سابقه این نوع تصمیم‌ها را باید در قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱ در مورد عراق جست‌وجو نمود. در بند ۱۰ قطعنامه یاد شده، شورا «تصمیم گرفت که عراق باید بدون قید و شرط عدم استفاده، تولید، توسعه، ساخت، و اکتساب ... موشک‌های بالستیک را تقبل نماید» (ساعد، بهار-تابستان ۱۳۸۴: ۷۶-۸۰). البته همان‌گونه که پیداست، عبارت‌پردازی قطعنامه ۱۹۲۹ بسیار منعطف‌تر از

قطعنامه ۶۸۷ و فاقد ادبیات و مفاهیم حقوقی قوام یافته است.<sup>۱</sup> ضمن اینکه بر همین اساس، به سایر دولت‌ها این اختیار اعطا شده که «به هر طریق ممکن» از انتقال فناوری و کمک فنی به توسعه برنامه موشکی کشورمان جلوگیری نمایند. تفتیش و بازرسی بی حد و حصر و بی ضابطه، مستند به همین بند قطعنامه است.

#### ۲-۲-۲. بخش‌های تسلیحاتی عمومی و دفاعی بازدارنده

غرب افزون بر فناوری موشکی که به عنوان وسیله پرتاب سلاح‌های هسته‌ای، هدف تحریم‌ها قرار داده است، قدرت تولید، توسعه، اکتساب و حتی صادرات تسلیحات متعارف را که به مصارف دفاعی و بازدارنده عمومی کشور در برابر تهدیدهای خارجی مربوط می‌شوند نیز در این پرونده وارد نموده است؛ در حالی که هیچ گونه ارتباطی بین آنها و برنامه هسته‌ای وجود نداشته و ندارد. به واقع، قدرت‌های بزرگ مخالف برنامه هسته‌ای کشورمان، توانمندی‌های نظامی ملی در بخش تسلیحات سنگین و فناوری‌ها و قطعات مربوط به آنها را نیز از تجارت بین‌المللی مجاز ایران حذف نموده و جامعه بین‌المللی را از وارد شدن به این مبادلات و همکاری‌ها، برحذر داشته است. این در حالی است که صادرات و واردات سلاح‌های سنگین که اقلام مورد نیاز کشور برای تأمین نیازهای اولیه دفاعی هستند، هیچ ارتباطی به برنامه هسته‌ای و هرگونه تولید و توسعه سلاح هسته‌ای نداشته و ندارد و غرب نیز هیچ‌گاه به اثبات پیوند میان آنها نپرداخته بلکه تحریم و اعمال محدودیت بر واردات و صادرات این اقلام و فناوری‌های مربوط به آنها را تنها اقدامی برای واداشتن ایران به تجدیدنظر در تصمیم‌های خود و اجرای سریع قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای حکام اعلام نموده است.

۱. با مقایسه دو بند از دو قطعنامه یادشده و قید «هیچ گونه اقدام» در قطعنامه ۱۹۲۹، به نظر می‌رسد که شورا نه تنها اکتساب موشک‌های بالستیک بلکه تولید، توسعه و کاربرد آنها را نیز هدف قرار داده است بدون اینکه هیچ‌گونه تفکیکی میان کاربردهای دفاعی و تهاجمی برقرار سازد.

روی آوردن به تحریم به عنوان مجرای برای ضربه زدن به قابلیت‌های دفاعی یک کشور مخالف غرب، مسئله‌ای است که غرب در مورد برخی از کشورهای دیگر نیز به کار گرفته است. برای نمونه، در تحریم‌های عراق نیز تحریم تسلیحاتی متعارف و موشک‌های با بُرد کوتاه نیز گنجانده شده بود. در واقع، غرب از این راه در تلاش است تا منابع قدرت دفاعی ملی و ضریب بازدارندگی را تضعیف نماید. همان‌گونه که اشاره شد، این محدودیت‌ها نه تنها ناظر بر انتقال فناوری‌ها و اقلام سلاح‌های سنگین به ایران است، بلکه صادرات اقلام یادشده توسط کشورمان را نیز در قالب همکاری‌های دفاعی دو و چندجانبه در بر می‌گیرد.

### ۳-۲-۲. رهنامهٔ دفاع ناهمگون ایران

افزون بر محدودیت‌ها و محرومیت‌های تسلیحاتی، رهنامهٔ دفاع ناهمگون نیروهای مسلح نیز از جمله مبانی و دستاویزهای برخورد غرب با توانمندی دفاعی کشورمان در قطعنامه‌های هسته‌ای بوده است. «جنگ ناهمگون»<sup>۱</sup> به عنوان یکی از مباحث مطالعات نظامی نوین، «به‌کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خشی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او از راه فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه» (مکنزی، ۱۳۸۳: ۴) و به عبارت روشن‌تر، «اندیشیدن، سازماندهی و انجام عملیات متفاوت از آنچه دشمن انجام می‌دهد به منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خود یا بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن» است (Skelton, 2001: 23). در مورد ارزش‌های نظامی توسل به این جنگ‌ها در دورنمای راهبردهای دفاعی یا تهاجمی، مباحث مختلف و اغلب متفاوتی وجود دارد که طرح آنها در این نوشتار نمی‌گنجد، اما قطعنامهٔ ۱۷۴۷ شورا در دو بند از ضمیمهٔ اول، به رهنامهٔ جنگ ناهمگون



در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است. بندهای ۱ و ۲ ضمیمه اول زیر عنوان واحدهایی از سپاه که درگیر برنامه موشک‌های بالستیک هستند، از قبول این رهنامه در سپاه یاد می‌کند و به همین دلیل است که محصولات و اقلام موشکی و موشک‌انداز تولیدی برخی صنایع هوایی وابسته به سپاه را مستلزم تحریم عنوان می‌نماید.

هرچند بیانات برخی فرماندهان سپاه از رهنامه دفاعی مبتنی بر دفاع ناهمگون حکایت دارد و در برخی از رزمایش‌های اخیر نیز به توان مقابله نیروهای مسلح کشور با تهاجم ناهمگون اشاره گردیده، اما نفس قبول یا رد این رهنامه به خودی خود نمی‌تواند عنصری حیاتی برای ارزشیابی بین‌المللی اقتدار دفاعی یک کشور و مشروعیت ظرفیت نیروهای مسلح آن در حفظ یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. توفیق راهبرد دفاعی کشور در گرو پویایی آن است، به گونه‌ای که متناسب با تحول در جنگ‌ها، ابزارهای دفاعی مناسب را جست‌وجو نماید و امنیت کشور را در برابر تهدیدهای آینده صیانت کند. در این صورت، همان‌گونه که جنگ ناهمگون در راهبردهای سیطره‌جویانه غرب مطرح شده و مقبولیت یافته است، ایران نیز صیانت از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خود را در پرتو دفاع ناهمگون یعنی دفاع از خود در برابر این جنگ‌ها و تهاجم‌ها مورد توجه قرار می‌دهد و ارتقای دانش و فناوری موشکی، نه به قصد تهاجم و حمله به خارج، بلکه تنها و تنها در چارچوب رهنامه دفاع متعارف و همه‌جانبه کشورمان به نحو تبیین شده در سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله و قانون برنامه چهارم توسعه (متکی بر بازدارندگی از یک سو و قدرت عمل در واکنش قاطع به منظور تأمین اطمینان‌بخش امنیت ملی) توسط سپاه و وزارت دفاع (و سایر نیروهای مسلح) در دستورکار قرار گرفته است.

1. S/RES/1747 (2007), Annex I, title "Iranian Revolutionary Corps entities", para. 1: Qod's Aeronautics Industries (produces UAVs, ... as part of its asymmetric warfare doctrine).
2. Ibid., para. 3: Sho'a' Aviation (produces micro-lights which IRGC has claimed it is using as part of its asymmetric warfare doctrine).

در هر حال، در فضای نه چندان روشن جنگ ناهمگون در ادبیات نظامی معاصر، صرف قبول یا رد این رهنامه توسط نیروهای مسلح یک کشور نمی‌تواند شاخصی برای مثبت یا منفی ارزیابی کردن فعالیت‌های موشکی یا غیر آن قرار گیرد و از این جهت، به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان قطعنامه بیشتر درصدد بوده‌اند دستاویزی برای تحریم صنایع فعال در تولید اقلام و تجهیزات موشکی کشور دست و پا کنند و در این خصوص با اینکه خود اغلب رهنامه جنگ ناهمگون را در ابعاد تهاجمی نیز مورد قبول و عمل قرار داده‌اند؛ «دفاع ناهمگون» ایران را به عنوان بهانه‌ای برای این تحریم‌ها مورد استفاده قرار داده‌اند، در حالی که هیچ قاعده و هنجار بین‌المللی وجود ندارد که قبول این رهنامه را به خودی خود امری منفی قلمداد نموده باشد تا بتوان با اتکا به همین امر، تحریمی را بر پذیرندگان آن بار نمود. با این حال، تنها قطعنامه ۱۷۴۷ به این مسئله پرداخته و باوجود استمرار قطعنامه یادشده، در سایر قطعنامه‌ها این رویه دنبال نشده و به رهنامه جنگ ناهمگون در کشورمان اشاره نشده است.

#### ۴-۲-۲. ساختار نیروهای مسلح و سازمان دفاعی ایران

سازمان نظامی، سازمانی متشکل از خصایص قانونی بودن کاربرد زور، دولتی و دائمی بودن، مالکیت انحصاری تسلیحات و مأموریت تضمین تمامیت ارضی است که از این منظر، با سایر سازمان‌های دولتی تفاوت بارز دارد (ادیبی‌سده، ۱۳۸۱: ۲۰۹-۲۰۸). موقعیت ویژه این سازمان در مجموعه ساختارهای حاکمیتی و ایفای کارویژه‌های راهبردی، موجب شده که در تاریخ اندیشه‌های فلسفی و سیاسی، وجود و اثربخشی آن با امنیت ملی رابطه‌ای تنگاتنگ یابد. همین اهمیت، توجه غرب در راهبردهای مقابله با ایران را به کم و کیف سازمان دفاعی جلب نموده است.

پس از تصویب قطعنامه ۱۶۹۶، اعضای دائم شورا به پیشنهاد و پیگیری سه دولت اروپایی، تلاش زیادی کردند تا از راه محدود کردن دامنه فعالیت اشخاص حقیقی و

حقوقی مرتبط با برنامه هسته‌ای کشور مانند شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی که به‌گونه‌ای در اکتساب فناوری و اقلام مورد نظر این برنامه فعالیت می‌کنند، روند توسعه هسته‌ای کشور را متوقف سازند. با این حال، بدون اینکه هیچ‌گونه اسناد و مدارکی از ارتباط این فعالیت‌ها با مدیریت بخش‌های دفاعی کشور (نیروهای مسلح) ارائه شود، صنایع وابسته به وزارت دفاع و همچنین نیروهای سه‌گانه سپاه و فرماندهان آنها را به دلیل نقشی که در توسعه دانش و فناوری موشکی در کشور ایفا کرده‌اند، مشمول تدابیر محدودکننده قرار دادند و ضمن اشاره روشن به فرمانده نیروی هوایی سپاه، حتی فرمانده کل پیشین سپاه را (که نقشی در سلسله مراتب فرماندهی این نیرو ندارد) به عنوان حلقه واسط برنامه‌های هسته‌ای و موشکی معرفی کردند، اما در قطعنامه ۱۷۴۷ دامنه نیروهای سپاه مشمول تحریم افزایش یافته و افزون بر نیروی هوایی، به فرمانده نیروی قدس، نیروی زمینی، ستاد مشترک و نیروی مقاومت بسیج نیز گسترش یافته است.

اشاره‌های فراوان و آشکار به سپاه و بسیج و همچنین اختصاص بندهایی مجزا در پیوست اول قطعنامه ۱۷۴۷ ناظر بر «واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» (شامل صنایع توپخانه قدس، شرکت خدمات هوایی پارس، و همچنین هوایمی‌شعا) و همچنین افراد کلیدی سپاه» (معاون فرمانده کل سپاه، رئیس ستاد مشترک، فرمانده نیروی زمینی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج، فرمانده نیروی قدس، قائم مقام سابق فرمانده کل سپاه و معاون کنونی سیاسی وزیر کشور)، حکایت از تمرکز خاص تهیه‌کنندگان قطعنامه بر پیشرفت‌های دفاعی سپاه در سال‌های اخیر و تلاش آنها برای متوقف کردن روند این پیشرفت‌هاست. بهانه خاصی که تهیه‌کنندگان قطعنامه به آن استناد کرده‌اند، فعالیت سپاه در زمینه تولید موشک‌های میان‌برد و دوربرد است که به ادعای آنها به عنوان بخشی از رهنامه جنگ ناهمگون سپاه مورد استفاده قرار خواهد

گرفت و ممکن است به عنوان وسیله پرتاب سلاح‌های هسته‌ای در فرایند توسعه هسته‌ای ایران جایگاه یابند.

بنابراین، روشن است که غربی‌ها از راه تحریم واحدهای سپاه و فرماندهان آن که به بهانه نقش‌شان در توسعه و بومی‌سازی دانش و فناوری موشکی انجام شده است، درصدند تا قدرت عمل و ظرفیت‌های پیشرفته دفاعی سپاه را محدود نمایند. اشاره قطعنامه به فرمانده نیروی مقاومت بسیج به عنوان افراد مشمول تحریم نیز به خوبی انگیزه‌های سیاسی غربی‌ها برای تضعیف توان دفاع عمومی و همه‌جانبه کشور در برابر تهدیدهای جدید و جنگ‌های آینده را ثابت می‌کند. هرچند واحدهای مشمول تحریم هیچ گونه وابستگی به نیروی مقاومت بسیج ندارند، اما برای اینکه شبکه دفاعی سپاه را به طور جامع هدف قرار دهند، از فرمانده بسیج نیز به عنوان افراد کلیدی سپاه که در اقدامات هسته‌ای و موشکی فعالیت دارند، یاد شده است. در مجموع، غرب از این راه می‌خواهد نخبگان دفاعی را نیز از امکان نقش‌آفرینی در خلاقیت‌های دفاعی و نیروهای مسلح کشور برحذر دارد و نه تنها از به فعلیت درآمدن ظرفیت‌های نخبگان دفاعی و نظامی کشور جلوگیری کند، بلکه فرایند نخبگی دفاعی را نیز با ترساندن دانشمندان از محرومیت‌های بین‌المللی به دلیل همکاری در بخش‌های نظامی، متوقف سازد و مانع رشد و توسعه دانش و فناوری‌های دفاعی نوین و پیشرفته در کشورمان شود.

### ۳. سیر تحول تحریم‌ها و محدودیت‌های دفاعی: بررسی مقایسه‌ای قطعنامه‌ها

در این باره، قطعنامه‌های شورای امنیت روندی تدریجی و مرحله به مرحله را در پیش گرفته‌اند. با تأمل بر مفاد این قطعنامه‌ها و بررسی مقایسه‌ای آنها، چگونگی برنامه‌ریزی‌های غرب علیه توانمندی‌ها و فعالیت‌های بخش دفاعی کشورمان، هم از نظر سخت‌افزاری و هم سازماندهی، روشن خواهد شد.

**۳-۱. قطعنامه ۱۶۹۶: مراقبت و منع نقل و انتقال محموله‌های مربوط به برنامه****موشکی بالستیک**

بند ۵ قطعنامه ۱۶۹۶ برای نخستین بار، مقرره‌ای را در مورد توانمندی‌های دفاعی کشورمان، پیش‌بینی کرد. دلیل و توجیه غرب برای ورود به این عرصه، نقشی بوده که آنها از پیوند میان موشک‌های بالستیک و پرتاب سلاح‌های هسته‌ای برقرار نموده بودند. با این حال، تسلیحات مورد نظر آنها تنها «موشک‌های بالستیک» بود. این بند از قطعنامه مقرر داشت: «دولت‌ها از نقل و انتقال محموله‌های حاوی اقلامی که به برنامه موشکی بالستیک ایران کمک می‌کنند، مراقبت و جلوگیری نمایند».

این بند به طور کلی و بدون اشاره به اقلامی معین، پردازش شد و برای دولت‌ها نیز تنها جنبه «تقاضا» داشت. همچنین تأثیر این تقاضا بر اقدامات و همکاری‌های اتباع، شرکت‌ها، هواپیماها و کشتی‌های حامل پرچم این کشورها نیز به شکل صریح مقرر نشده بود. سرانجام اینکه مراقبت و جلوگیری از محموله‌های به مقصد ایران، تنها شامل محموله‌های دارای اقلام مرتبط با برنامه موشکی بالستیک بود و نه سایر اقلام تسلیحاتی و فناوری‌های دفاعی. در قطعنامه‌های بعدی، همه این چهار محور به تدریج مورد توجه غرب قرار گرفته و به منظور تشدید فشارها برای پذیرش قطعنامه‌ها و اجرای آنها (توجیه ادعایی غرب) و به واقع، ضربه زدن به اقتدار دفاعی و توسعه همکاری‌های دو و چندجانبه دفاعی ایران در قطعنامه‌ها گنجانده شده است.

**۳-۲. قطعنامه ۱۷۳۷: الزامی‌سازی منع تأمین اقلام دو منظوره و صادرات آنها**

در قطعنامه ۱۷۳۷، مفاد بند ۵ قطعنامه پیشین تشدید شد. تقاضای مراقبت و جلوگیری از انتقال اقلام مرتبط با برنامه موشکی به ایران، به شکل «تصمیم الزامی» مقرر و از طریق تصریح به اقلام مندرج در سه سند بین‌المللی، به آن روشنی و وضوح داده شد.

بند ۳ این قطعنامه، بندهایی از اسناد ۸۱۴ و ۸۲۵ شورای امنیت و سند ۲۵۴ آژانس را که ناظر بر اقلام دومنظوره است، مدنظر قرار داد و جزئیات دیگری از این تکلیف را در بندهای ۴ تا ۶ مقرر نمود. افزون بر این، بند ۷ قطعنامه، حق «صادرات» اقلام مندرج در دو سند ۸۱۴ و ۸۱۵ را از کشورمان سلب نمود و کشورها را موظف کرد که از راه بازرسی و تفتیش، مانع از صادرات این اقلام کشورمان توسط اتباع، کشتی‌ها و هواپیماهای تحت پرچم‌شان شوند، اما همچنان تجارت بین‌المللی در آب‌های آزاد و خارج از قلمرو ملی، از این محدوده خارج گردید.

- درخواست از دولت‌ها برای پایش و جلوگیری از انتقال محموله‌های مربوط به برنامه موشکی ایران
- ممنوعیت انتقال اقلام دومنظوره معین به ایران
- ممنوعیت صادرات اقلام دومنظوره از ایران
- حق بازرسی محموله‌های مظنون، در قلمرو ملی

نشانگر ۴. محورهای محدودیت و محرومیت اقدام امامد و پشتیبانی دفاعی در قطعنامه ۱۷۳۷

### ۳-۳. قطعنامه ۱۷۴۷: تحریم اقلام دومنظوره و سلاح‌های سنگین

در قطعنامه ۱۷۴۷، برای اولین بار هم آثار تعهد به ممنوعیت و پایش مبادلات دفاعی ایران تشریح شده و هم ممنوعیت هرگونه همکاری دولت‌ها در رابطه با تأمین اقلام معینی از سلاح‌های سنگین که کاربری و سهم مؤثری در دفاع متعارف دارند، تصریح گردیده است. آنچه تحت عنوان دقیق «تحریم» اقلام دفاعی قابل توصیف و تعریف است، رهاورد همین قطعنامه است.

در بند ۵ این قطعنامه مقرر شده که «ایران نباید هیچ‌گونه سلاح یا اقلام مربوط به آن را به طور مستقیم یا غیرمستقیم، از قلمرو خود یا از طریق اتباع و کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت پرچم خود، عرضه، فروش یا نقل و انتقال نماید و همه دولت‌ها باید

از همکاری اتباع، هواپیماها و کشتی‌های تحت پرچم خود با ایران در این رابطه جلوگیری و مراتب را ممنوع نمایند». در بند ۶، محدودیتی جدید در مورد توانمندی‌های دفاعی کشورمان اضافه گردید و آن ممنوعیت دولت‌ها از صادرات برخی سلاح‌های سنگین به کشورمان است:

«از همه کشورها می‌خواهد در تأمین، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا سلاح مربوطه از خاک خود یا از طریق اتباع، کشتی، ناو هواپیمابر، خودروی جنگی، تانک، سامانه‌های آتش‌بار سنگین، ناو جنگی، بالگرد جنگی، کشتی جنگی، موشک، سامانه‌های موشکی مندرج در نظام ثبت سلاح‌های متعارف سازمان ملل متحد و همچنین در مورد هرگونه کمک یا آموزش فنی، کمک مالی، سرمایه‌گذاری یا خدمات دیگر و انتقال منابع یا خدمات یا کمک مالی در زمینه تأمین، فروش، انتقال، ساخت یا استفاده از آنها مراقبت نمایند».

- ممنوعیت صادرات هر نوع سلاح و اقلام مربوط
- ممنوعیت نقل و انتقال هر نوع سلاح و اقلام مربوط
- ممنوعیت خرید و واردات برخی سلاح‌های سنگین توسط ایران
- حق بازرسی محموله‌های مظنون در قلمرو ملی

نشانگر ۵. محورهای محدودیت و محرومیت اقدام آماد و پشتیبانی دفاعی در قطعنامه ۱۷۴۷

در واقع، این تعهد دارای ماهیت تحریم تسلیحاتی است و در درجه اول، صنایع دفاعی کشور را که مسئول انحصاری تولید مهمات و سلاح برای تأمین نیازمندی‌های داخلی و صادرات آن هستند، مخاطب قرار می‌دهد و حق عرضه بین‌المللی سلاح و اقلام تسلیحاتی را در کلیت آن بدون هیچ گونه تفکیکی میان نوع سلاح‌ها، سلب می‌نماید. با این حال، مسئله تولید داخلی این اقلام برای تأمین نیازهای نیروهای مسلح کشور را که

مصدافی بارز از اکتساب ابزارهای دفاع مشروع مقرر در ماده ۵۱ منشور و تجهیزات لازم برای تأمین نظم و امنیت داخلی و خارجی است، همچنان مجاز می‌شمارد. نکته غیرقابل قبول‌تر در این تحریم، بی‌توجهی به قراردادهای بین‌المللی منعقد شده میان وزارت دفاع و وزارتخانه‌های مشابه کشورهای دیگر، پیش از تاریخ تصویب این قطعنامه است. با اینکه در مورد تحریم‌های مالی مقرر در بند ۷ قطعنامه، به روشنی اشاره شده که این تحریم‌ها تنها شامل تعهدات جدید مالی می‌شود و به تعهدات گذشته تسری نمی‌یابد، اما بند ۵ قطعنامه موجبات لغو و فسخ قراردادها و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی دوجانبه ایران با کشورهای دیگر در حوزه همکاری‌های دوجانبه دفاعی را فراهم کرده است؛ در حالی که لغو قرارداد، موجبات تضییع حقوق هر دو طرف قرارداد را فراهم خواهد کرد. با وجود مغایرت ماهیت این تحریم‌ها با موازین بین‌المللی ناظر بر تناسب تحریم، شورا دست‌کم باید قراردادهای دوجانبه منعقد شده پیش از تاریخ تصویب قطعنامه ناظر بر فروش تسلیحات ایران به نیروهای مسلح کشورهای دیگر را از شمول بند یادشده مستثنی می‌نمود.

#### ۳-۴. قطعنامه ۱۸۰۳: افزایش دامنه اقلام دو منظوره ممنوعه و منع مبادلات مالی

##### برنامه موشکی

در قطعنامه ۱۸۰۳ نیز همین روند تشدید محرومیت‌ها و برخورد با بخش دفاعی کشورمان ادامه یافت. در بند ۸، محدوده اقلام ممنوعه افزایش یافته است و بخش‌های دیگری از سند ۲۵۴ آژانس و سند ۸۱۵ شورای امنیت نیز به این منظور به اقلام مقرر در قطعنامه ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ افزوده شدند. در بند ۱۰ نیز مراقبت در مورد هرگونه ایجاد اعتبارات و اقدامات ملی مرتبط با توسعه فناوری‌های موشکی بالستیک تصریح گردید.

• افزایش اقلام دو منظوره ممنوعه در اسناد ۲۵۴ و ۸۱۵

• مراقبت در مورد مبادلات مالی مربوط به برنامه موشکی بالستیک.

نشانهگر ۶. محورهای محدودیت و محرومیت اقلام آماد و پشتیبانی دفاعی در قطعنامه ۱۷۴۷



## ۳-۵. قطعنامه ۱۹۲۹: افزایش تحریم سلاح‌های سنگین و منع مطلق فعالیت

## موشکی بالستیک

قطعنامه ۱۹۲۹، اوج فشارهای غرب بر بخش دفاعی کشورمان محسوب می‌شود. براساس بند ۸ قطعنامه، «شورای امنیت تصمیم می‌گیرد که همه کشورهای باید از تأمین و فروش مستقیم و غیرمستقیم هرگونه تانک‌های جنگی، ماشین‌های جنگی زرهی، سامانه‌های دارای قطرینه سنگین، هواپیماهای جنگی، بالگردهای تهاجمی، ناوها، موشک‌ها یا سامانه‌های موشکی که در زمره سلاح‌های متعارف در نظام ثبت سلاح‌های متعارف ملل متحد هستند، تجهیزات مرتبط با آنها از قبیل قطعات یدکی و اقلامی که توسط شورای امنیت یا کمیته پیگیری قطعنامه ۱۷۳۷ مشخص شده‌اند، از خاک این کشورها یا توسط اتباع و کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت پرچم‌شان، به ایران جلوگیری نمایند. شورا همچنین تصمیم می‌گیرد که همه کشورهای باید مانع از تأمین آموزش‌های فنی، منابع و خدمات مالی، رهنمود یا دیگر خدمات و کمک‌هایی که مرتبط با تأمین، فروش، انتقال و تهیه، ساخت، نگهداری و استفاده از چنین تسلیحات و مواد مرتبط با آنها به ایران از طریق اتباع خود یا از طریق خاک خود شوند، شورای امنیت در این راستا از همه کشورهای می‌خواهد تا هوشیاری و محدودیت‌ها بر تأمین، فروش، انتقال، تهیه، ساخت و استفاده از همه تسلیحات یادشده و مواد مرتبط با آنها را به اجرا درآورند». در این بند، درخواست‌ها و تقاضاها، حالت اجباری یافته و امکان «مراقبت» نیز به «ممنوعیت و جلوگیری» ارتقا یافته است. افزون بر این، بند دیگری به محرومیت‌ها افزوده شده است:

بر اساس بند ۹ نیز «شورای امنیت تصمیم می‌گیرد که ایران نباید هیچ یک از فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک را انجام دهد؛ موشک‌هایی که قادر به حمل و پرتاب سلاح‌های هسته‌ای باشند و از جمله پرتاب‌هایی که با استفاده از فناوری

موشک بالستیک انجام می‌گیرد و اینکه کشورها باید همه تدابیر لازم را برای جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک‌های فنی به ایران در رابطه با این فعالیت‌ها اتخاذ نمایند».

- منع فروش اقلام دو منظوره در سند جدید شورای امنیت به ایران
- منع فروش اقلام سلاح‌های سنگین به ایران
- حق بازرسی از محموله‌های مظنون در قلمرو ملی و بین‌المللی
- منع ایران از هرگونه فعالیت مربوط به موشک بالستیک
- حق اتخاذ همه تدابیر مقتضی برای جلوگیری از فعالیت موشکی ایران.

نشانگر ۷. محورهای محدودیت و محرومیت اقلام آمد و پشتیبانی دفاعی در قطعنامه ۱۹۲۹

در این قطعنامه، تحریم اقلام دفاعی و نظامی سنگین برای کشورمان به نسبت قطعنامه‌های پیشین، از دو جهت تشدید شده است: نخست آنکه برخلاف قطعنامه ۱۷۴۷، قطعنامه اخیر «جلوگیری» از تجارت بین‌المللی این اقلام برای ایران را مورد حکم قرار داده است که به منزله تمام کردن آن چیزی است که پیش‌تر تحت عنوان «مراقبت» و نظارت بر این معامله‌ها و تبادلات پیش‌بینی کرده بود. تعهدات ناشی از این بند نه تنها شامل مشارکت نداشتن مستقیم در همکاری‌های دفاعی و فروش تجهیزات یادشده است، بلکه «جلوگیری» از انتقال آنها به ایران را نیز در برمی‌گیرد. دوم اینکه این محرومیت یا تحریم موجب شده که نظام بازرسی و پایش محموله‌ها در دریا و هوا که در این قطعنامه تصریح شده، شامل این اقلام دفاعی هم بشود. در حالی که در قطعنامه‌های پیشین، چنین تفتیش و بازرسی به شکل آشکار پیش‌بینی نشده بود. همچنین بند ۹ قطعنامه از نظر عبارت‌پردازی و حقی کلی که برای همه دولت‌ها در اتخاذ «هرگونه اقدام مقتضی» برای ممانعت از انتقال فناوری و کمک فنی به برنامه موشکی ایران اعطا کرده است، دارای ظرفیت‌های بالایی از سوءاستفاده می‌باشد. البته خوشبختانه به دلیل حساسیت‌های روسیه

و چین در این رابطه، این حق، تنها ناظر بر «منع انتقال فناوری و کمک فنی» بوده و از اطلاق خارج شده است. همان‌طور که گفته شد، تحریم دسترسی به اقلام معینی از سلاح‌های سنگین، در قطعنامه ۱۷۴۷ پیش‌بینی شد و در مراحل بعدی این اقلام از نظر موضوعی افزایش یافت. دامنه این تحریم‌ها شامل خودروی جنگی، تانک، سامانه‌های آتش‌بار سنگین، ناو جنگی و بالگردهای جنگی می‌شود. آنچه در قطعنامه‌های پیشین اشاره شده بود، «لزوم مراقبت» از این نوع تبادلات بین ایران و سایر کشورها بوده و به‌طور مستقیم در مورد منع تجارت آنها اشاره‌ای در بر نداشت. خاطرنشان می‌گردد محرومیت اقلام دومنظوره که نخست در قالب اسناد ۸۱۴ و ۸۱۵ شورای امنیت و سند ۲۵۴ آژانس تصویب شده بود، در قطعنامه ۱۹۲۹ (بند ۱۳)، تغییر یافت. بر این اساس، اقلام مقرر در سند ۲۶۳ سال ۲۰۱۰ شورای امنیت، جایگزین سند ۸۱۵ شده است.

ردیف	قطعنامه	اقلام و فعالیت‌های دفاعی مشمول مراقبت/تحریم
۱	۱۶۹۶	پایش و جلوگیری از نقل و انتقال محموله‌های حاوی اقلام مربوط به برنامه موشکی بالستیک ایران
۲	۱۷۳۷	محدودیت تبادل بین‌المللی اقلام دومنظوره مندرج در اسناد ۸۱۴ و ۸۱۵ شورای امنیت و سند ۲۵۴ آژانس منع صادرات اقلام دومنظوره یا تسلیحات مندرج در اسناد ۸۱۴، ۸۱۵ و ۲۵۴
۳	۱۷۴۷	مراقبت در خصوص تأمین، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا اقلام شامل خودرو جنگی، تانک، سامانه‌های آتش‌بار سنگین، ناو جنگی، بالگرد جنگی، کشتی جنگی، موشک، سامانه‌های موشکی و هرگونه کمک یا آموزش فنی، کمک مالی، سرمایه‌گذاری یا خدمات دیگر و انتقال منابع یا خدمات یا کمک مالی در زمینه تأمین، فروش، انتقال، ساخت این سلاح‌ها؛ منع صادرات سلاح اقلام دومنظوره مندرج در اسناد ۸۱۴، ۸۱۵ و ۲۵۴
۴	۱۸۰۳	منع فروش استفاده، نگهداری و تأمین تانک رزمی، خودروهای رزمی زرهی، سامانه‌های توپخانه‌ای با قطرینه بزرگ، هواپیماهای جنگنده، بالگردهای تهاجمی، کشتی‌های جنگی، موشک‌ها و سامانه‌های موشکی به ایران
۵	۱۸۳۵	عدم پیش‌بینی
۶	۱۹۲۹	منع فروش، استفاده، نگهداری و تأمین تانک رزمی، خودروهای رزمی زرهی، سامانه‌های توپخانه‌ای با قطرینه بزرگ، هواپیماهای جنگنده، بالگردهای تهاجمی، کشتی‌های جنگی، موشک‌ها و سامانه‌های موشکی؛ منع ایران از انجام هرگونه فعالیت مربوط به موشک‌های بالستیک.

نشانه ۸. بررسی مقایسه‌ای سیر تحول تحریم اقلام و فعالیت‌های دفاعی در قطعنامه‌های شورای امنیت

## نتیجه‌گیری

جامعه بین‌المللی، حاصل روابط مجموعه‌هایی موسوم به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که مانند اعضای یک اجتماع، در مناسبات متقابل هستند. گفته می‌شود که اصل حاکمیت دولت‌ها باید مانع حرکت منافع فردی دولت‌ها در جهت خیر عمومی‌شان نشود (فلسفی، ۱۳۷۹: ۶۷)، اما آیا شورای امنیت می‌تواند تراز ارزیابی منافع فردی و خیر عمومی در ترسیم مسیر چنین حرکتی باشد؟ اتکای صرف بر صورت و ظاهر حقوق منشور این است که «بر اساس فصل هفتم منشور، شورای امنیت می‌تواند به طور مؤثر در سیاست‌های دولت‌های عضو دارای حاکمیت آنگاه که صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره می‌افتد، دخالت کند» (دلبروک، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۵). در این صورت، خیر عمومی باید در پرتو صلح و امنیت بین‌المللی تفسیر و تعبیر شود و این همان گستره‌ای است که در وضعیت حاضر، اساس زندگی عادی بین‌المللی را به خطر انداخته است.

در وضعیت حاضر آنچه از مناسبات دولت‌ها و اعتبار عملی و گاه رسمی منطق قدرت در شورای امنیت به دست آمده، یک پریشانی مشترک در سازماندهی درست وضع موجود و دورنمای صلح پایدار برای نسل‌های حال و آینده است. تنها همین واقعیت، نطفه یک پیوند اجتماعی مثبت و نوعی سازگاری را بسته است. اما هنوز موانع زیادی بر سر راه ارزش‌های مشترکی که تحقق یک حقوق واقعاً بین‌المللی را ممکن می‌سازند، وجود دارد (شمیله ژانرو، ۱۳۸۲: ۴۳۳).

هرچند تصمیمات شورای امنیت از منظر حقوق وضعی (اثبات‌گرایی)، امری و الزام‌آور می‌نماید، اما صرف این تصمیمات را نمی‌توان «ملاک صحت رفتار» شمرد (Shirley, 1994: 315)، به ویژه آنگاه که تشخیص نهفته در این تصمیمات، با وضعیت‌های عینی ناسازگاری آشکار داشته و با منفعت جمعی دولت‌ها فاصله فراوانی داشته باشند. همه انسان‌ها در یک زمین مشترک در جریان تأثیر و تأثر ارتباطی و مبادله‌ای طبیعی قرار دارند (کانت، ۱۳۸۰: ۲۱۶). با امید به روزی که عدالت به روح حقوق بین‌الملل و

عنصر جهت‌دهنده به موازین آن تبدیل گردد و رقابت‌ها به جای تمایل به مبارزه سلطه‌طلبانه دولت‌ها بر یکدیگر، به سبقت جستن برای تأمین زیست متعالی انسان‌ها به عنوان اعضای حقیقی جامعه انسانی تبدیل گردد. در آن شرایط، همبستگی و وحدت بین‌المللی، انسان‌ها را که از وحدت به تکرر سیر کرده‌اند، به امت واحد و فراگیر جهانی (متشکل از انسان‌های آزاد و برابر) بازخواهد گرداند. نظام حقوقی بین‌المللی نیز باید مجرای این حرکت را فراهم سازد. عادلانه‌سازی ساختار سازمان‌های بین‌المللی که در دهه اخیر در قالب گسترش ترکیب شورای امنیت آغاز شده است، گامی در همین راستا خواهد بود.

وضعیت موجود پرونده هسته‌ای، به رفتار آژانس، شورای امنیت و قدرت‌های غربی که بر تصمیم‌ها این نهادها نفوذ جدی دارند، مربوط می‌شود. در درجه اول، آژانس در پرتو توافقی که در قالب برنامه کاری با ایران (در سال ۲۰۰۷) داشته، نمی‌توانسته و نمی‌تواند دامنه پیگیری موضوعی و زمانی «مطالعات ادعایی» را به گونه‌ای بسط دهد که اجرای مدالیت از برنامه زمانی کلی ۱۸ ماهه‌ای که طرفین پیش‌بینی کرده بودند، فراتر رود. آژانس در بخش سوم مدالیت متعهد شده بود که هر آنچه سند و مدرک در مورد مطالعات ادعایی مطرح شده تا آن زمان در اختیار داشته، در اختیار ایران قرار دهد. ایران نیز متعهد شده بود که به محض «دریافت» همه اسناد مربوط، ارزیابی پیشین خود را دایر بر اینکه این مطالعات، اتهاماتی سیاسی و بی‌اساس هستند، مرور نموده و به اطلاع آژانس برساند. اما آژانس هیچ‌گاه به تعهدی که در این قالب پذیرفته بود، عمل ننمود و با وجود اینکه همه محورهای دیگر مدالیت، حل و فصل شده بودند، به‌طور عمدی در صدد خنثی کردن مدالیت برآمد. به بهانه اینکه آمریکا به عنوان ارائه‌کننده اسناد این اتهامات، اجازه نداد ایران به آنها دسترسی داشته باشد، از قرار دادن آنها در اختیار ایران خودداری کرد و به جای آن، در هر بار مذاکرات، پرسش‌های اضافی را برای پاسخ به ایران تحویل داد. در هر حال، سیاست، پرده‌ای از گستره تعیین‌کننده طرز رفتار دولت‌ها

در عرصه بین‌المللی است و اغماض نسبت به درک آن، تصویری ناکامل از زمینه شکل‌گیری و تنظیم رفتار این بازیگران را پدیدار خواهد ساخت. تحلیل الگوی دوگانه قدرت-قانون که گاه به تناقض میان بایسته‌های هنجاری و اقتضات سیال قدرت‌ها می‌انجامد (Scott, 1994: 314)، لازمه فزاینده‌ی و عملگرایی تحلیل پدیدارهای بین‌المللی است (Macdonald and Johnson, 1983: 4)؛ پدیدارهایی که مانند خاستگاه‌شان (جامعه بین‌المللی دولت‌محور)، دامنه و مفهومی مختص به خود<sup>۱</sup> دارند و به تحلیل فراتر از ارزش ذهنی و اندیشه‌ای آن، ارزشی عینی خواهد بخشید. با این حال، تحلیل حقوقی بین‌المللی نه بر اولویت نظریه‌ها و مطلوبیت‌های رهیافت سیاست بین‌الملل (آن‌گونه که مکتب نیوهاون عرضه می‌دارد) (McDougal and Riesman, 1983: 103-129)، بلکه بر مبنای تقدم هنجارمندی روابط ناشی از قدرت (Shirley: 1994, 317) و مناسبات میان فرادست‌ها و فرودست‌هایی است که در نظم تحقیقی حقوقی، شأن و جایگاه اعتباری برابر و همسان یافته‌اند.

در طول تاریخ همواره برخی اندیشمندان و ملت‌های آزاده از اینکه روابط بین‌المللی و هنجارهای حاکم بر آن، دستاویز قدرت‌های بزرگ قرار گیرد و تنها به‌عنوان ابزار تحقق منافع آنها علیه دولت‌ها و ملت‌های مستقل به‌کار گرفته شود، ناخرسند بوده و در جست‌وجوی راه‌حلی برای برون‌رفت از این نگرانی‌های جهانی، به ارائه نظریه پرداخته‌اند. امروز بیش از هر زمان دیگری، نتایج ملموس و عینی یکجانبه‌گرایی‌ها و همگرایی‌های سیاسی باشگاهی و جناحی دولت‌ها برای به بیراهه کشاندن مسیر حیات جامعه بین‌المللی نمودار و عیان شده است. در این میان، مایه بسی تأسف است برخی نهادهای بین‌المللی که برای ممانعت از تشدید اختلافات بین‌المللی و حل آنها بر مبنای حق و عدالت تأسیس شده‌اند، در این ورطه افتاده و به مثابه ابزاری که امانوئل جوانت، امپریالیسم سیاسی و حقوقی جهانی می‌شمارد (Jouannet, 2005: 382-383)، تحقق منافع

1. Sui generis

قدرت‌های سلطه‌جو را به قیمت تضییع آشکار حقوق ملت‌های آزاده و در حال توسعه دنبال نمایند (Polat, Spring 1999: 56). از ابتدای دهه ۱۹۴۵ و با تشکیل سازمان ملل متحد، همین استفاده ابزاری از حقوق بین‌المللی در رویه شورای امنیت هویدا شد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در اوایل قرن بیست و یکم همین رویه را به تقلید از این ساختارهای سیاسی در پیش گرفت (سعد، ۱۳۸۴: ۱۳۴) و با بهانه چالش‌های فراروی نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تحقق اهداف آژانس (Heininen, 2004)، وارد شدن به چرخه‌ای سیاسی و غیرفنی از جدال در پوشش «صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های انرژی هسته‌ای در ایران، روندی ساختارشکنانه را در پیش گرفته که بدون شک، زنگ خطری برای اعتبار و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی است.

- نادرست بودن توصیف‌ها و تشخیص‌های فنی

- بدعت در مبناشدن اتهام محض برای مجازات

- نادرستی مبانی تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی

- برخی از افراد مشمول تحریم، اساساً وجود خارجی ندارند.

- برخی افراد مشمول تحریم، هیچ ارتباطی با بخش نظامی ندارند.

- سلب امکان دادخواهی اشخاص مشمول تحریم

نشانگر ۹. محورهای عمده نقد عملکرد غرب و ساختارهای بین‌المللی در مورد پرونده هسته‌ای

پیشرفت‌های دفاعی ایران که در سال‌های گذشته به شکل برجسته در رزمایش‌های متعدد به نمایش درآمد و به طور موفقیت‌آمیز و عملی آزمایش شدند، محور اصلی اقدامات تنبیهی مندرج در قطعنامه ۱۷۴۷ به بعد را تشکیل داده است. غربی‌ها با این تدابیر درصدد هستند تا روند پیشرفت‌های یادشده را متوقف سازند و با انتقال فشار

از عرصه‌های سیاسی صرف به بخش‌های نظامی و اقتصادی، کشور را به توقف فعالیت‌های هسته‌ای از یکسو و فعالیت‌های موشکی در سطح بالستیک وادار نمایند. این در حالی است که ماده ۵۱ منشور ملل متحد به صراحت حق دفاع مشروع و تمهید اقدامات لازم به منظور دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی را به رسمیت شناخته و هیچ مرجعی نمی‌تواند تدارکات و پشتیبانی نیروهای مسلح را که در راستای تقویت ظرفیت‌های دفاع متعارف است، محدود نماید یا مشمول ممنوعیت قرار دهد.

یک برداشت از سناریوها و احتمال‌های پشت پرده این بند از قطعنامه، تلاش برای تضعیف توانمندی‌های دفاعی ایران به منظور مقابله با تهدیدهای خارجی آینده است. احتمال بدتر اینکه ممکن است غربی‌ها و به ویژه آمریکا که طرف عمده جنگی احتمالی آینده ایران خواهد بود (عسگری، آبان ۱۳۸۶: ۱۱) با سلب حق خرید سلاح‌های سنگین و اقلام مهم دفاعی، درصدد تضعیف روند پشتیبانی نیروهای مسلح در برابر جنگ‌های آتی باشند تا در صورت توسل به اقدامات قهری مقرر در ماده ۴۲ منشور به بهانه برنامه هسته‌ای کشور، تقویت امکانات ایران در دفاع ملی ممکن نگردد. تغییر جهت سیاست دفاع ضد موشک آمریکا از نظر قرار دادن ایران به عنوان مرکز ثقل این سامانه و استقرار سامانه جدید در خاورمیانه، به همین مسئله مربوط می‌شود (ساعد، اردیبهشت ۱۳۸۹: ۲۷ و ۲۳).

در هر حال، به نظر می‌رسد که برنامه‌های غرب در این رابطه هم علیه بخش غیرنظامی<sup>۱</sup> و هم علیه اقتدار دفاعی ایران پایان نیافته و فضای سیاست‌زده حاکم بر

---

۱. جک استراو، وزیر خارجه وقت انگلیس با ارائه پیشنهادی به آژانس، خواستار تصویب قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت شد؛ مبنی بر اینکه اگر کشوری به دلیل عدم پایبندی به مقررات نظام عدم گسترش، تحت رسیدگی قرار گرفت، حق ادامه فعالیت هسته‌ای در رابطه با غنی‌سازی نداشته باشد، مگر هنگامی که شورای امنیت با توجه به اوضاع و احوال، چنین حقی را برای آن کشور اعاده نماید (Straw, 2004).



ساختارهای بین‌المللی رسیدگی به پرونده هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان نیز مستعد این استمرار است. در نهایت، تهدیدهای ناشی از این تحریم‌ها، از «نوع گروهی، بین‌المللی، ناهمگون، مرکب، عینی و ذهنی، عمدی، واقعی و همچنین ساختاری» (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۵۹-۲۴۴) و همه‌جانبه خواهد بود. از این‌رو، تحلیل و پردازش ویژه آنها با نگاه و منظر خاص دفاعی، ضروری به نظر می‌رسد.

Archive of SID

## منابع و مأخذ

## ۱. منابع فارسی

۱. ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران، سمت.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی تهدید*، تهران، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
۳. تفضلی، محمود (۱۳۵۸)، *اندیشه‌های نهری*، چاپ ششم، تهران، کتاب‌های سیمیرغ.
۴. حسینی، حسین (پائیز و زمستان ۱۳۷۶)، «مسائل اساسی سیاست تکنولوژی دفاعی در جهان سوم»، *سیاست دفاعی*، شماره ۲۱-۲۰.
۵. دلبروک، جوست (۱۳۷۷)، *حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها*، در: حسین شریفی طرازکوهی (ترجمه و تحقیق)، *حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی*، تهران، دادگستر.
۶. ساعد، نادر (۱۳۸۴)، «ارزیابی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۷.
۷. ساعد، نادر (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، «تاملی بر اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات در آیینة تحولات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۲.
۸. ساعد، نادر (۱۳۸۶)، *گفتارهایی پیرامون ایران و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای*، تهران، خرندی.
۹. ساعد، نادر (۱۳۸۷)، *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات انرژی هسته‌ای*، تهران، خرسندی.
۱۰. ساعد (اسفند ۱۳۸۴)، «گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت: الزامات و بایسته‌ها»، *نمای راهبردی*، شماره ۴۸.
۱۱. ساعد، نادر (اردیبهشت ۱۳۸۹)، «تحلیل و نقد گزارش مرور دفاع موشکی بالستیک ۲۰۱۰ آمریکا»، *نمای راهبردی*، گاهنامه مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره ۱۱۳.
۱۲. شمیله-ژانرو، مونیک (۱۳۸۲)، *بشریت و حاکمیت‌ها: سیری در حقوق بین‌الملل*، ترجمه مرتضی کلانتری، تهران، آگه.
۱۳. عسگری، محمود (آبان ۱۳۸۶)، «دکترین جمهوری اسلامی ایران»، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۵۴.
۱۴. علی‌آبادی، مهدی (۱۳۸۶)، «عملکرد آژانس در پرونده هسته‌ای ایران، خواسته‌های فراتر از پادمان و پروتکل الحاقی»، در: سیدحسین موسویان، *پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۵. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۹)، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران، فرهنگ نشرنو.
۱۶. فلسفی، هدایت‌الله (۸۱-۱۳۸۰)، «حق، صلح و منزلت انسانی: تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»، *مجله حقوقی*، شماره ۲۷-۲۶.

۱۷. کانت، امانوئل (۱۳۸۰)، *فلسفه کانت*، ترجمه دکتر منوچهر صانعی، تهران، نقش و نگار.
۱۸. مکنزی، کنت (۱۳۸۳)، *جنگ نامتقارن*، ترجمه عبدالمجید حیدری و محمد غنائی، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
۱۹. هالستی، کی.جی (۱۳۸۰)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

## ۲. منابع لاتین

1. Heinonen, Olli J. (2004), Statements of the DDGs, "Future Challenges for Nuclear Non-Proliferation Instruments", 17032004, in: [www.iaea.org](http://www.iaea.org).
2. Heinonen, Olli J. (2006), "IAEA Safeguards – Staying Ahead of the Game", *Statements of the Deputy Directors General*, 47th Annual Meeting - Institute of Nuclear Materials Management, Nashville, Tennessee, USA 16 July.
3. Jouannet, Emmanuelle (2005), "Universalism and Imperialism: The True-False Paradox of International Law?", *EJIL*, Vol. 18, No. 3.
4. Macdonald and Johnson, (1983), "International Law Theory: New Frontiers of the Discipline", in: R. Macdonald and D. Johnson (eds.), *The Structure and Process of International Law: New Frontiers of the Discipline*, Oxford, Oxford University Press.
5. McDougal and Riesman (1983), "International law in Policy-Oriented Perspective", in: Macdonald and Johnson (eds.), *The Structure and Process of International Law: New Frontiers of the Discipline*, Oxford, Oxford University Press.
6. Nuclear Posture Review (NPR) (April 2010), US Dep. of Defense, [www.dod/npr.pdf](http://www.dod/npr.pdf).
7. Polat, Necati (Spring 1999), "International Law, the Inherent Instability of the International System and International Violence", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 19.
8. Shirley, Scott (1994), "International Law as Ideology: Theorizing the Relationship between International Law and International Politics", *EJIL*, Vol. 5.
9. Skelton, I. (2001), "Lessons for Asymmetric Conflicts", *Military Review*, (Sep-Oct.).
10. Straw, Jack (2004), *Statement by UK Foreign Secretary in the House of Commons*, 25 February.